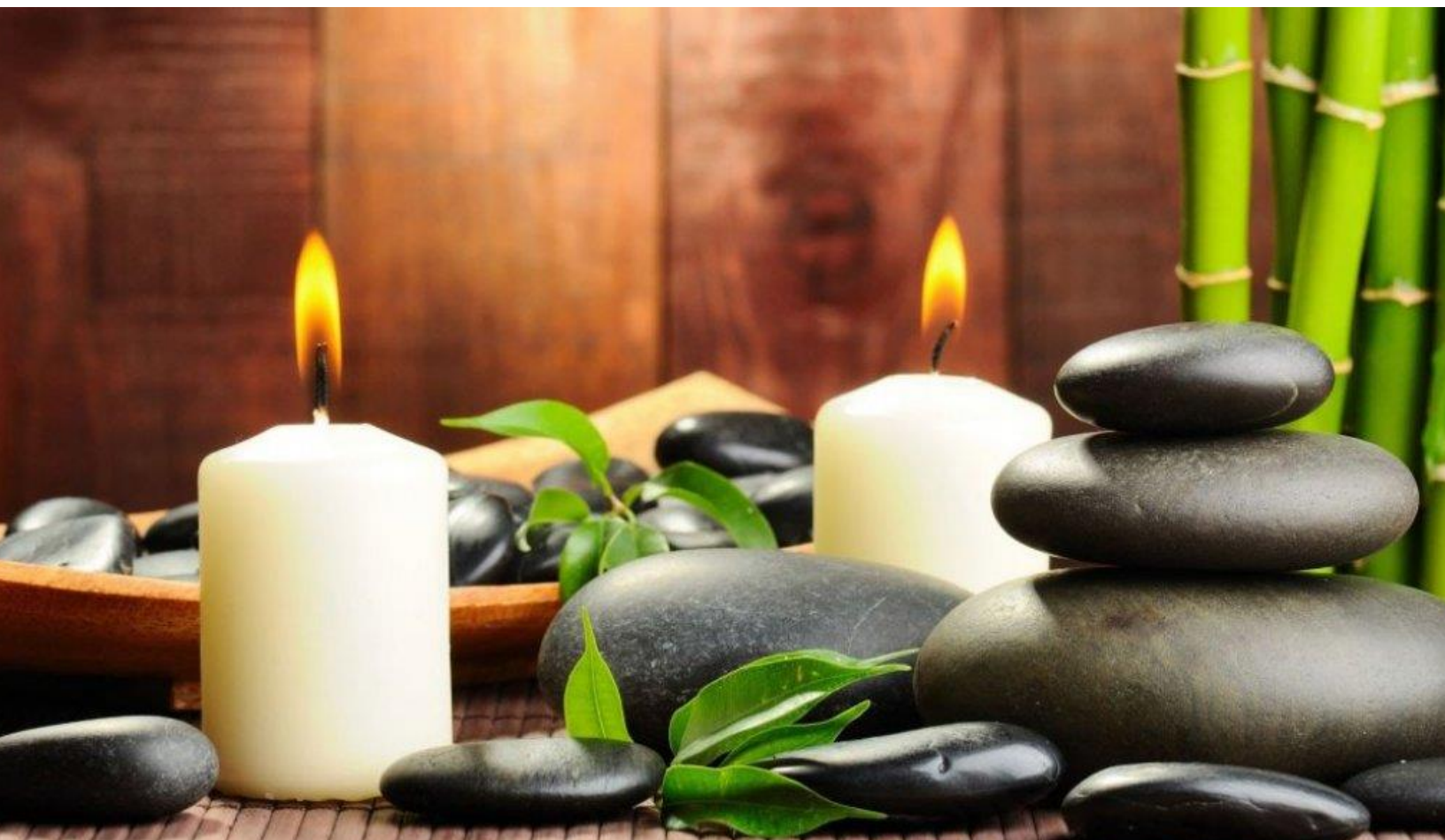




روان‌های شکننده و خرافه‌سازان

عایض بن سعد الدوسری | ترجمه: شهاب الدین امیرزاده شمس



روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان

«صادقانه بگویم، به نظر من بسیاری از ساکنان هنگ کنگ در مواردی به خرافات باور دارند. بیشتر مردم برای بالا بردن شانس یا اجتناب از بدشانسی کارهای مشخصی را انجام می‌دهند».

این سخن را دختری تحصیل کرده و غیر دیندار از شهر هنگ کنگ به نام «وای لی» می‌گوید. او در بخش مالی کار می‌کند و این حرف را در سال ۲۰۲۰ میلادی و در جواب متیو کیگان (Matthew Keegan) گزارشگر سایت BBC Travel عنوان کرد.

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

در این مصاحبه از او خواسته شده بود تا دربارهٔ برخی از عادت‌ها و کارهایی که انجام می‌دهد صحبت کند. متیو از او پرسید: «چرا هنگ کنگ با وجود پیشرفت‌های بزرگ هنوز هم به خرافه باور دارد»؟

وای لی، به زیارت معبد **وونگ تای سین** (Wong Tai Sin) می‌رود، جایی که یکی از پرازدحام‌ترین اماکن شهر هنگ کنگ به شمار می‌آید. علت بازدید مکرر او از این معبد - با وجود اینکه او دیندار نیست - اشتیاق وی برای فهمیدن شانس و طالع او در امور دنیوی است، چیزی که فکر او را مشغول کرده و به آینده‌اش مربوط می‌شود. این کار، با انجام مناسک دینی به نام **کائو چیم** (kau chim) صورت می‌پذیرد.

مناسک کائو چیم (kau chim) عبارت است از تکان دادن ظروفی استوانه‌ای شکل که درون آن تکه‌های چوب وجود دارد و چوپ‌های بخت (شانس) fortune sticks نامیده می‌شود. از یک تا صد شماره‌گذاری شده و تکان دادن ظرف تا جایی ادامه دارد که یکی از چوپ‌ها روی زمین بیفتد. هر شماره،

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

اشاره به معنایی دارد که فالگیرهای معبد آن را می‌دانند و با تفسیر آن برای سؤال کننده، آینده‌ای که فکر او را به خود مشغول کرده را پیشگویی می‌کنند.

«وای لی» در مقابل محراب اصلی معبد زانو می‌زند، چشمانش را می‌بندد و شروع به تکان دادن استوانه حاوی چوب‌ها می‌کند و ذهن خود را روی سوالی متمرکز می‌کند که می‌خواهد پاسخی برای آن بگیرد. بعد از چند دقیقه چوب شماره ۲۴ روی زمین می‌افتد.

«وای لی» سپس به راهروی کاهنان معبد و نزد جوزف راهب می‌رود، او یک کاهن کهنه کار است که ۲۰ سال این حرفه را انجام می‌دهد و به او توضیح می‌دهد که این چوب در پاسخ به سؤالش درباره آینده کاری، به او چه می‌گوید.

وای لی، می‌گوید: «وونگ تای سین هرگز من را ناامید نکرده است، هر زمان که سوالی داشته باشم یا باید در مورد آینده‌ام تصمیمی بگیرم، به اینجا

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

می‌آیم. «من احساس می‌کنم که پاسخ‌ها دقیقند و در گذشته نیز دقیق بوده‌اند».

متیو کیگان می‌گوید که تعداد بازدیدکنندگان از این معبد روزانه به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسد! در کنار این خرافه، خرافات دیگری نیز در این شهر متمدن وجود دارد، از جمله خرافه‌ای معروف به هنر فنگ شویی (feng shui) که در لغت به معنای: «باد و آب» است.

جان چوی راهب که بیش از ۱۰ سال است این هنر را در هنگ کنگ انجام می‌دهد، می‌گوید: «فنگ شویی از ایمان به خرافه نشأت گرفته است». در جایی که رقابت‌ها سنگین است چگونه می‌توان بر دیگران غلبه کرد؟ تنها راهی که می‌توانی انجام دهی پناه بردن به هنر فنگ شویی است تا کمک کند، شانست بهتر شود.

اما این هنر یا تمرین، چنانکه متیو کیگان می‌گوید: هنر قدیمی چینی است که بر اساس ایده‌های هماهنگی با محیط اطراف و استفاده از انرژی برای دستیابی

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

به هماهنگی میان افراد و محیط اطراف به وجود آمده است و هدف از آن دستیابی به زندگی بهتر در عرصهٔ ثروت یا سلامت است. این در حقیقت نوعی طالع‌بینی است.

امروزه نیز، همچنان عمل فنگ شویی در هنگ کنگ طرفداران بسیاری دارد و جان چوی می‌گوید که حدود ۴۰ درصد از توسعه‌دهندگان و سازندگان املاک و مستغلات در هنگ کنگ برای یافتن مناسب‌ترین طراحی برای پروژه‌های خود هنوز با یک متخصص فنگ شویی مشورت می‌کنند. اگر مشاوره مربوط به یک پروژه ساخت و ساز جدید باشد، هزینهٔ آن ممکن است از یک میلیون دلار هنگ کنگ تا چندین میلیون برای هر پروژه متغیر باشد. در ساخت بیشتر آسمان‌خراش‌های منطقهٔ تجاری مرکزی هنگ کنگ توصیه‌های فنگ شویی مد نظر گرفته شده است. در واقع می‌دانیم که طرح این بناها از جنبه‌های مختلف تا حد زیادی تحت تأثیر این هنر باستانی است.»

متیو کیگان داستان عجیبی از میزان ایمان ساکنان شهر هنگ کنگ به این خرافه را بازگو کرده و می‌گوید: «گفته شده که بنای آسمان‌خراش بانک چین

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

(skyscraper The Bank of China) شبیه تیغ‌های است که شانس و ثروت را از ساختمان‌های اطراف مسدود می‌کند و انرژی شومی به نام شا چی (sha qi) منتشر می‌کند که به معنای کشتن انرژی است. و چنانکه می‌گویند، بانک اچ اس بی سی HSBC که در مجاورت آن قرار دارد دو جسم شبیه توپ جنگی را به عنوان نوعی دفاع و محافظت در برابر انرژی بانک چین روی سقف خود اضافه کرده است. مشهور است که اندکی پس از تکمیل بنای آسمان خراش بانک چین در سال ۱۹۸۹ میلادی، سهام بانک «اچ اس بی سی» به پایین‌ترین سطح خود در تاریخ رسید و بانک «اچ اس بی سی» برای دور کردن انرژی منفی‌ای که ادعا می‌شود از سوی بانک چین می‌آید دو جسم که شبیه توپ جنگی است را روی بام ساختمان خود اضافه کرده و جهت آن را به سوی ساختمان بانک چین قرار داد. از آن زمان بنا بر ادعاها کارکرد این بانک بهبود یافت.

بنا بر فلسفه فنگ شویی، شیر نماد محافظت و ثروت و جایگاه اجتماعی است و از آنجایی که بانک HSBC ششمین بانک بزرگ جهان است برخی از

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

ساکنان شهر به پوزه و چنگال هر دو شیر دست می‌کشند به این امید که برکت انرژی مثبت فنگ شویی موجود در آن، که باعث خوش‌شانسی و ثروت می‌شود، به آنها برسد.

راهب **جان چوی**، که در این خرافه‌ها تخصص دارد در توضیح رفتار این افراد می‌گوید: «ما معتقدیم لمس برخی از اشیایی که از نظر فنگ شویی متبرک تلقی می‌شوند، می‌تواند برای ما خوش‌شانسی بیاورد.

اما یان ژانگ (Yan Zhang) که استاد دانشگاه ملی سنگاپور و متخصص مطالعات در زمینه نقش مناسک خرافی در دفع بدشانسی است، معتقد است که دلیل اصلی گسترش این خرافات در بین مردم و اعتقاد به آن، تمایل به داشتن حس کنترل بر محیطشان است.

استاد یان ژانگ می‌گوید: «مردم در هنگ کنگ دینداری خاصی ندارند، برای اینکه یک فرد غیر دیندار احساس کند همه چیز وفق مراد است، یا باید به علم متوسل شود یا به خرافات... و من انتظار ندارم که باورهای خرافی به طور

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

کامل از بین برود. از آنجایی که مردم هرگز نمی‌توانند زندگی خود را به طور کامل تحت کنترل در آورند، اعتقاد به اعمال خرافی بیش از آنچه تصور شود رایج خواهد بود.

بسیاری از افراد عاقل، قدرت خرافه و تأثیر آن بر بسیاری از مردم را دست کم می‌گیرند؛ زیرا آنها ممکن است متوجه نشوند که خرافه چگونه کار می‌کند و اینکه چه وقت بر عقل عموم مردم تأثیر می‌گذارد.

انسان هنگامی که امیدش را از دست داد و سرافکنندگی و احساس ترس بر او چیره شد، با اشتیاق و پافشاری به دنبال راه حلی فوری برای خروج از این سودازدگی که در آن قرار گرفته می‌گردد و در جستجوی هر دروازه‌ای خواهد بود که به او نشان دهند و بگویند که امید و رهایی‌اش در آن است، حتی اگر این راه خروج با انجام خرافه یا هر کاری باشد که نزد عقلا بی‌نهایت احمقانه باشد!

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

خرافه‌بسان امیدهای دور و دراز و وعده‌های فریبنده در لحظات سخت شکنندگی درون انسان سر می‌رسد. در لحظه‌ای که حتی کورسویی از امید که زندگی را به حالت طبیعی برگرداند دیده نمی‌شود و بدون آن زندگی، بدبختی، حسرت و تلخی است.

بنابراین خرافه، وسوسه‌ای است که در آن لحظه سرنوشت‌ساز فرا می‌رسد و امید را در افق شخصی که هیچ چیزی برای از دست دادن ندارد، ترسیم می‌کند. همان شخصی که زندگی‌اش ویران گشته و از راه‌هایی که امتحان کرده و پیش از این پیموده ناامید گشته است. آن هنگام که فکر می‌کند پایان کارش فرا رسیده است ناگهان امیدی را در آنجا می‌بیند که شاید او را از این دنیای تاریک و از ترس و وحشتی که او را فرا گرفته نجات دهد. آنطور که کارلو مارتینی می‌گوید: «امید، پایان را پایان می‌دهد».

آنهایی که به سادگی تسلیم خرافات و اوهام می‌شوند معمولاً دردکشیده‌ها هستند؛ بیماران و کسانی که در زندگی سرخورده شده و شکست خورده‌اند. آنهایی که به شکل مکرر با خودشان یا دیگران درگیرند. به سبب منفی‌گرایی

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

شخصی یا به خاطر محیط منفی‌گرایی که در آن زندگی می‌کنند. رابطه‌ها در انواع مختلف آن گاهی منجر به نتایج فاجعه‌بار و دردناکی برای برخی از مردم می‌شوند. چنانکه اد بولکی می‌گوید: «همهٔ روابط انسانی ناگزیر به ناامیدی و درد، ختم می‌شود».

این افراد درهم‌شکسته مانند غرق شدگانی در پی طناب نجات می‌گردند، حتی اگر این طناب خیالی باشد، خودشان را با آن امیدوار می‌کنند. امید، خیالی هم که باشد برای آنها بهتر از افسردگیِ نابودی است. همان نابودی که به معنای فقدان تمام راه‌های در دسترس پیش روی آنها است. عاقبتی ترسناک که ذهن اکثر مردم وقتی متوجه عواقب آن شده یا طعم آن را می‌چشند، از آن می‌گریزند. همانطور که میریام گروسمن روانشناس می‌گوید: «وقتی همه چیز یکسان می‌شوند - عمق افسردگی و سختی رویدادهای زندگی - بودن یا نبودن امید می‌تواند به معنای تفاوت میان زندگی و مرگ باشد».

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

اینجاست که سازندگان امیدهای کاذب می‌آیند. آنان نوعی خاص از عرضه‌کنندگان و مروجان اوهام و خیالات از طریق گمراه کردن و جهل یا عمل‌گرایی (پراگماتیسم) هستند که گفتارشان با موفقیت در ذهن برخی از مردم نفوذ می‌کند.

پذیرش آسان سخنان چنین افرادی توسط مردم را می‌توان با ضعف بشری تفسیر کرد. ضعفی که به شکل طمع و سرخوردگی و ترس ظاهر شده و بیشتر مردم را آزار می‌دهد؛ بسیاری از آنها در مواجهه صحیح با آن ناکام می‌مانند، در نتیجه اینها به افکار مثبت (بهتر بگویم توهمات خرافی) پاسخ مثبت می‌دهند و در دنیای عجیب و غریب خود فرو رفته و جهان و اعماق آن را مورد خطاب قرار می‌دهند، در جستجوی برکت انرژی‌ها رفته و در رخدادهای روزانه، «کارما» را در برابر خویش احساس می‌کنند و در حالی که قبلاً از دیدنش ناتوان بودند، امروز برای رسیدن به دستاوردهای پزشکی آن لَه‌لَه می‌زنند. در این هنگام است که افکار خرافی شرقی و قدیمی، به شیوه پراگماتیسمی سرمایه‌داری، جامه‌ای مدرن و به‌روز برتن می‌کنند!

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

انسان اینگونه است؛ غالباً در لحظه‌های ضعف و بدبختی، لحظات طمع یا یأس، لحظات امید مخاطره‌انگیز یا ترس ویرانگر، به ویژه زمانی که ایمان خالصانه سست شده و یقین راسخ ضعیف می‌شود، فرو می‌ریزد.

بنابراین فرد، استفاده از تفکر انتقادی خود را متوقف می‌کند و تسلیم کوچکترین روزنه امیدبخش می‌شود، حتی اگر از ناشناخته‌ها یا امور غیرقابل اعتماد باشد، یا ریشه در خرافات بت‌پرستانه‌ای داشته باشد که هیچ پایه و اساس علمی و دینی ندارد.

بنابراین انسان در لحظه‌های ضعف، شکننده می‌شود، مانند شخصی که در حال غرق شدن است دست و پا زده و در جستجوی خاشاک می‌گردد و از تفکر منطقی در مورد حقایق دست می‌کشد. کالین ویلسون می‌گوید: «در تمام موقعیت‌هایی که مشکلات پرتنش وجود دارد ما شبیه یک قاضی و منتقد عمل نمی‌کنیم و به افراد معصوم و آسیب‌پذیر تبدیل می‌شویم.»

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

بنابراین، همانطور که ماتریالیست‌های کاپیتالیست موفق می‌شوند دنیایی از رویاهای گلگون و فراخ را در مقابل توده‌ی رویاپرداز و مشتاق ثروت و مکنت و رفاه بسازند، خرافه‌سازان و سوداگرانِ توهم نیز برای چنین افراد سرخورده‌ای، به شیوه‌ی عمل‌گرایانه‌ی سرمایه‌دارانه امیدهای واهی ایجاد می‌کنند، یا اینکه خودشان زندگی و آینده را اینگونه تصور می‌کنند.

قدرت خرافه، برخاسته از فکر قدرتمند یا صادقانه نیست بلکه از ضعف تفکر مردم نشأت می‌گیرد. ضعف تفکر معمولاً نتیجه‌ی شکنندگی روانی است و شکنندگی روانی معمولاً نتیجه‌ی تجربه‌های دردناک، شکست‌های یأس‌آور و تجربیات منفی و طمع‌های دور و دراز دنیوی است و همه‌ی اینها نشأت گرفته از سودازدگی و یأس از زندگی است.

هنگامی که انسان در این چاه افتاد او را وادار به جستجوی کورسوی امید می‌کنند حتی اگر در توهمات و خیالات باشد. همان توهمات و خیالاتی که خرافه‌سازان و سوداگران خیال در آن لحظات شکنندگی، موفق به کشت آن در ذهن او می‌شوند. همان کسانی که در ورای آن سودهای بزرگ مادی و

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

معنوی می‌کنند. تجارت اوهام، امروز هم - مانند دیروز - یکی از پرسودترین تجارت‌ها است که بازار بزرگ و گسترده‌ای دارد. بازار روان‌های ناامید و ویران شده، سرشکسته و غمگین یا بازار روی‌پردازانی که مشتاق آرزوهای خیالی‌اند. از آنجایی که بسیاری از احساس‌های ناامیدکننده، ویرانگر و غم‌انگیز، ناشی از خیالات سودازدگی (مالی‌خولیایی) است دفع آنها با اوهام و خیالات تحریک‌کننده، متضاد و معکوس موفقیت‌آمیز خواهد بود، زیرا استعداد این ارواح در برابر انفعال و تحت تأثیرپذیری از اوهام بیشتر از واقعیت است، بنابراین دارویی که از جنس بیماری است برایش کارساز می‌شود.

بنابراین اگر برخی از همین افراد را ببینی که می‌گویند: ما از سخنرانی یا دوره‌های فلانی و فلانی سود برده‌ایم، لزوماً دروغ نمی‌گویند و چه بسا صادق باشند؛ زیرا اوهام و خیالات این خرافه‌سازان توانسته‌است که اوهام و خیالات روان آنها را از بین ببرد. به این شکل که با سخنان مثبت، افکار تاریک و سودایی آنها را از ذهنشان دور کرده باشد.

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

اما بیشتر اینها در آینده شکست می‌خورند زیرا اوهام برای باقی ماندن نیاز به تغذیه مداوم دارند و این همان چیزی است که سازندگان خرافه و اوهام نیاز دارند. اینکه این روان‌ها را در دایره‌ای بسته و متصل به زنجیره‌های بی‌پایان از توهمات شرقی، غربی، کیهانی و درونی نگه دارند. برای اینکه آنها کاملاً در این اوهام غرق شده و در حالتی از مستی و سردرگمی باقی بمانند. همان چیزی که انسان را از واقعیت و حقایق دور کرده و سبب می‌شود شاهد چیزی جز خرافه‌های کیهانی و اوهام جذبی نباشد و پیوسته با آن تخدیر (بی‌حس) می‌شود تا زمانی که از دنیای رویاهای خود بیدار شده و حقیقت را کشف کند.

این فضای کوچک و خطرناک - فضایی که سازندگان خرافه و اوهام برای درمان موضعی خیالات افراد منفی‌نگر به آن نیاز دارند - نقطه قوت این سازندگان است و در عین حال فضای تجارت و سودآوری برای آنهاست.

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

بنابراین هرچه دایرهٔ توهّمات منفی شخص نسبت به خودش یا محیطش بیشتر باشد، دایرهٔ نفوذ و اقتدار آنها (خرافه‌سازان) گسترده‌تر می‌شود.

پس نباید از میزان تأثیرپذیری و حضور در جلسات‌شان و دفاع از آنها تعجب کنی، وقتی بخش بزرگی از مردم شکست خورده و مستأصل را می‌بینی که امید خود را از دست داده و از روش‌های صحیح درمان بی‌اطلاع هستند و به رشته‌هایی از توهّمات چنگ می‌زنند.

توهّماتی که آن را به شکل امیدهای واقعی و وعده‌های صادقانه که می‌تواند آنها را از پریشانی و ناامیدی رها کرده یا جاه‌طلبی‌های دنیوی آنها را برآورده کند، می‌بینند.

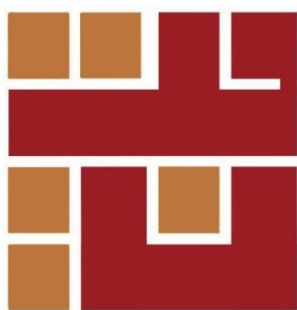
ناامیدی، توهم می‌سازد، زیرا هنگامی که درهای واقعیت بسته می‌شود، خیال، دروازه‌های تخیلی می‌گشاید که حتی اگر عقل آن را انکار کند، جان‌ها به پاشنه‌های آن افتاده و آرزوها به رشته‌های آن چنگ می‌زنند اما نفس هنگامی که رو به ضعف می‌نهد از نظر قدرت اندیشیدن مانند یک کودک

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان |

می‌شود که واقعیت خود را نادیده گرفته و به کوچک‌ترین توهمی که آنها را از رویارویی با درد و رنج‌های موجود جدا کند، چنگ می‌زند.

به همین دلیل فروش توهم یکی از پرسودترین تجارت‌هایی است که بر مردم عرضه می‌شود و علت این است که این اوهام معمولاً با حالتی از ضعف بشری مانند طمع، بیماری، احساس حقارت، ترس و غیره همزمان می‌شود و انسان تلاش می‌کند به هر وسیله‌ای آن را دفع کند در نتیجه در دام توهمات و سوداگران آن می‌افتد. سپس هنگامی که وارد دنیای خیالات شده و شیرینی و مستی‌اش را چشید، در برابر منتقدان یا خرده‌گیران تند و خشن می‌شود حتی ممکن از آنها را مسخره کند که چرا وارد چنین دنیایی نشده و مثل خودش از طعم شیرین آن نچشیده است؟!

روان‌های شکننده و خرافه‌سازان



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies